

به نام خداوند جان و خرد

# ریچارد برانسون چه کسی است؟

نویسنده:

میشل برگان

مترجم:

ابوالفضل طاهریان ریزی



سرشناسه: بورگن، مایکل، ۱۹۶۰ - م.  
Burgan, Michael  
عنوان و نام پدیدآور: ریچارد برانسون چه کسی است؟/ نویسنده میشل برگان؛ مترجم ابوالفضل طاهریان ریزی؛  
[تصویرگر هاموند تد]  
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.  
شابک: ۹-۰۲۵-۰۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: Who Is Richard Branson?  
موضوع: برنسون، ریچارد، ۱۹۵۰ - م.  
موضوع: Branson, Richard  
موضوع: اهل کسب و کار -- انگلستان -- سرگذشتنامه  
موضوع: Businessmen -- Great Britain -- Biography  
موضوع: موفقیت در کسب و کار -- انگلستان  
موضوع: Success in business-- Great Britain  
شناسه افزوده: طاهریان ریزی، ابوالفضل، ۱۳۵۲ - مترجم  
شناسه افزوده: هاموند، تد، تصویرگر  
شناسه افزوده: Hammond, Ted  
رده بندی کنگره: HC ۲۵۲/۵  
رده بندی دیویی: ۶۵۸  
شماره کارشناسی ملی: ۷۴۱۰۱۰۷



## «ریچارد برانسون چه کسی است؟»

- نویسنده: میشل برگان ● مترجم: ابوالفضل طاهریان ریزی
  - نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد ● قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان
  - ناشر: انتشارات طاهریان ● صفحه بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● چاپ: شهر
  - شابک: ۹-۰۲۵-۰۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸ ● شابک الکترونیک: ۶-۰۲۶-۰۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸
- 
- آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱  
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ [www.Taherianpress.com](http://www.Taherianpress.com)
- با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۶۶۴۹۲۷۳۳-۱۰۰۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

## فهرست

- فصل ۱: چالش‌های اولیه.....۷
- فصل ۲: اولین تجارت.....۱۹
- فصل ۳: شرکت در حال رشد.....۳۳
- فصل ۴: ویرجین به آسمان می‌رود.....۴۳
- فصل ۵: شکست رکوردهای جهانی.....۴۹
- فصل ۶: میلیاردرها.....۵۵
- فصل ۷: کمک به دیگران.....۶۳
- فصل ۸: فضا و فراتر از آن.....۷۱



## ریچارد برانسون چه کسی است؟

در طول دهه ۱۹۵۰، خانواده برانسون برای تعطیلات به ساحل دوون، انگلیس رفتند. در این سفر، خاله جوئیس با ریکی پنج ساله شرط کرد که اگر قبل از پایان تعطیلات بتواند شنا را یاد بگیرد، به او مقداری پول جایزه می‌دهد.

ریکی تمام تعطیلات را در تلاش برای یادگیری شنا تلاش کرد. در آخرین روز تعطیلات، اما هنوز ریکی شنا را یاد نگرفته بود. خاله جوئیس به او گفت که می‌تواند سال آینده دوباره تلاش کند. اما ریکی آماده تسلیم شدن نبود. او می‌خواست هر طور شده در این چالش برنده شود. ریکی آخرین تلاش خود را برای یادگیری شنا انجام داد. خانواده‌اش دور هم جمع شده بودند تا او را تشویق کنند. ریکی مادرش را دید که لبخند می‌زد، گویی که فریاد می‌زد: "تو می‌توانی این کار را بکنی!" نفس عمیقی کشید، داخل آب رفت و سپس دست و پاهایش را به بهترین شکل ممکن حرکت داد. بله او در حال شنا بود! در یک مسیر دایره‌ای دور زد، صدای تشویق خانواده‌اش را شنید. وقتی ریکی به ساحل آمد، خاله جوئیس پول جایزه را داد. ریکی بعداً گفت که اگرچه فقط حدود دو دلار بود: "اما به نظر می‌رسید یک ثروت باشد."



با بزرگ شدن یکی برانسون، او ثروت واقعی به دست آورد. او شرکت‌های زیادی را تأسیس کرد. برخی از مشاغل وی با شکست روبرو شد اما بسیاری از آنها هم خیلی موفق شدند. همه دنیا او را به عنوان ریچارد برانسون میلیاردر می‌شناسد.

او درست مثل وقتی که پسر بود، خطرهای زیادی را متحمل شد. او قایقرانی و پرواز با بالون هوای گول آسا بر فراز اقیانوس را آموخت. او حتی یک موشک خریداری کرد که می‌تواند او را به فضا ببرد. ریچارد با این فکر زندگی می‌کند: "اگر ایده خوبی دارید، باید فقط امتحانش کنید و اگر صاف روی صورت خود افتادید، بلند شوید و دوباره امتحان کنید."

---

## فصل ۱

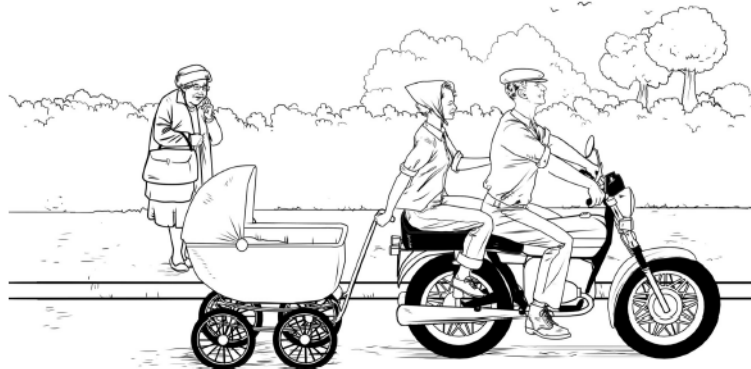
### چالش‌های اولیه

---



در ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۰، ریچارد برانسون در لندن، انگلیس متولد شد. روزگار برای والدینش، ایو و تد برانسون سخت بود. تد در تلاش بود تا حرفه خود را به عنوان یک وکیل تازه‌کار شروع کند، بنابراین این زوج پول کمی داشتند. ایو با ساختن کوسن مبلمان و فروش آنها در مغازه‌های محلی به اقتصاد خانواده کمک می‌کرد. این خانواده به تازگی یک کلبه کوچک در حومه ساری خریده بودند.

والدین او پسر تازه متولد شده خود را ریکی صدا می‌کردند، هرچند بعداً همه علاقه داشتند تا او را ریچارد صدا کنند. برانسون‌ها اوایل ماشین نداشتند. تد در حالی که ایو پشت سر او نشسته بود، موتورسیکلت خانواده را رانندگی می‌کرد.





طی چند سال آینده، ایو برانسون تجارت کوچک خود را در زمینه فروش کوسن گسترش داد. او شروع به ساخت جعبه‌های چوبی و سبدهای زباله کرد که در شهر Harrods، یک فروشگاه بزرگ لندن آنها را می‌فروخت. ریکی همیشه کار او را در یک کارگاه پشت کلبه خانوادگی تماشا کرد. ایو همیشه در تلاش بود تا کسب و کار خود را بسازد.

ایو و تد از گذراندن وقت با ریکی و دو خواهری که او را دنبال می‌کردند (لیندی و ونسا) بسیار لذت می‌بردند. آنها همیشه یک خانواده گرم بودند. همانطور که برانسون‌ها درآمد بیشتری کسب کردند، توانایی خرید یک ون را پیدا کردند. حالا خانواده با بچه‌هایی که روی یک تشک پشت ون بازی می‌کردند، به پیک نیک می‌رفتند. برانسون‌ها هنگامی که با هم بودند درباره چیزهای زیادی صحبت کردند، از پرونده‌های حقوقی تد گرفته تا وقایع و اخبار روز. والدین ریکی دوست داشتند او و خواهرانش در آینده کاملاً خلاق باشند. آنها فرزندان خود را تشویق می‌کردند تا آزادانه نظرات خود را بیان کنند.

ایو برانسون همچنین دوست داشت فرزندانش در مقابل مردم راحت باشند. بنابراین وقتی برانسون‌ها مهمانی داشتند، ریکی مجبور شد برای مهمان‌ها آواز بخواند. او گاهی از غریبه‌ها خجالت می‌کشید و اجرا را دوست نداشت؛ هرچند کم‌کم عادت کرد و یاد گرفت که از سرگرم کردن مردم لذت ببرد.

ریکی پسری بازیگوش و پرانرژی بود. او عاشق کوهنوردی و دوچرخه‌سواری بود. او همچنین در باغچه خانواده کار کرده و به

مادرش در خانه کمک می‌کرد. ریکی در ورزش عالی بود. او دونده خوبی بود و فوتبال و راگبی بازی هم می‌کرد. گرچه مدرسه برایش یک چالش بود. در کلاس درس، او به سختی می‌توانست تخته سیاه را بخواند تا اینکه در حدود ده سالگی عینک گرفت. او همچنین به بیماری نارساخوانی یا خوان‌پریشی (dyslexia) مبتلا بود که خواندن و نوشتن را برای او دشوار می‌کرد. با نارساخوانی فرد ممکن است اعداد و حروف را به ترتیب صحیح مشاهده نکند. آنها اغلب در خواندن مشکل دارند، و یک حرف را با حرف دیگر عوض می‌کنند. آنها ممکن است به جای "ماشین چمن زنی" "چاشین ممن زنی" بنویسند.

